

ریتا مارلی با همراهی هتی جونز

هی زن! گریه نکن

داستان زندگی من با باب مارلی

مترجم: مینا صفار

www.ketab.ir

پیما

سرشناسه: مارلی، ریتا، ۱۹۴۶-م. Marley, Rita, 1946

عنوان و نام پدیدآور: هی زن گریه نکن: داستان زندگی من با باب مارلی / ریتا

مارلی، هتی جونز؛ مترجم: مینا صفار.

مشخصات نشر: تهران: نشر نیماژ، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۳۱۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۶۷۸-۷

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: No Woman No Cry: My life with Bob Marley

موضوع: داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰م.

موضوع: English fiction -- 20th century

شناسه‌ی افزوده: جونز، هتی، ۱۹۳۴-م. Jones, Hettie, 1934

شناسه‌ی افزوده: صفار سفلیبی، مینا، ۱۳۶۱، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۳ PZ رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۷۴۰۷۵۶۲

ریتا مارلی با همراهی هتی جونز

هی زن! گریه نکن

مترجم: مینا صفار

نشر: نیماژ

دبیر مجموعه: شیوا مقالو/ ویراستار: شوکا کریمی

مدیر هنری و طراح گرافیک: محمد جهانی مقدم

لیتوگرافی: نقش‌آور / چاپ و صحافی: فارابی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰ / تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

ISBN: 978-600-367-678-7

قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان

نیماژ

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان لبافی‌نژاد، شماره ۱۸۴، تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵



Nimajpublication



Nimajpublication@gmail.com



www.nimaj.ir



۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است.

فهرست

۷.....	بازتاب هی زن! گریه نکن در آینه‌ی رسانه‌ها.....
۹.....	مقدمه‌ی مترجم.....
۱۳.....	دیباچه.....
۱۵.....	فصل اول: ترنج‌تاون راک.....
۳۵.....	فصل دوم: هر کی جسیل کنه، می فهمتش.....
۶۳.....	فصل سوم: شانسمون گفته.....
۸۵.....	فصل چهارم: عاشق کسی بودن.....
۱۰۱.....	فصل پنجم: خودت را بالا بکش.....
۱۱۷.....	فصل ششم: زمانی برای تغییر.....
۱۳۱.....	فصل هفتم: خدایا شکرت.....
۱۵۱.....	فصل هشتم: یه جایی رو می شناسم.....
۱۷۱.....	بخش عکس‌ها.....
۱۹۱.....	فصل نهم: دریای آرام.....
۲۰۹.....	فصل دهم: به‌سوی بابل با اتوبوس.....
۲۲۹.....	فصل یازدهم: جنگ.....
۲۴۷.....	فصل دوازدهم: دردی را که مرد می‌کشد زن حس می‌کند، خدایا!.....
۲۶۳.....	فصل سیزدهم: کی می‌تونه علیه ما باشه.....
۲۸۳.....	فصل چهاردهم: زیبایی برنامه‌ی خداوند.....
۲۹۷.....	فصل پانزدهم: تالانو آفتاب پس از باران.....
۳۱۵.....	درباره‌ی نویسنده‌ها.....

مقدمه‌ی مترجم

روزی که قرار شد کتاب زندگینامه‌ی باب مارلی از زبان همسرش را ترجمه کنم، مردد بودم. چراکه حس می‌کردم آن قدرها به موسیقی احاطه ندارم که بتوانم کتابی درباره‌ی یک موزیسین، آن هم یکی از جریان‌سازترین پدیده‌های موسیقی رگی (رگی) جهان، ترجمه کنم.

وقتی کتاب را کامل خواندم، فهمیدم اشتباه می‌کردم. هی زن! گریه نکن فقط داستان یک زندگی نیست، فقط داستان یک موزیسین هم نیست؛ داستان دو زندگی عجیب و پر بار است، دو موزیسین در همه‌ی فراوانش‌ها، از گمنامی مطلق تا محبوبیت جهانی، از فرش تا عرش؛ که یکی از آن‌ها، به فراخور زن بودن، به تمامی از خود می‌گذرد تا دیگری موفق شود.

این کتاب قصه‌ی زندگی باب مارلی هست و درعین حال نیست. کتاب درباره‌ی درد و رنج یک زوج هنرمند و موزیسین و قدرتی زنانه و مافوق تصور است که شرایط را مدیریت می‌کند تا هر دو از بزنگاه‌های هرازگاه تلخ و رویدادهای ویرانگر عبور کنند. زنی که همیشه هست و حضور مداومش همچون دریا حس می‌شود و نمی‌شود، اما با هر کورسویی از توجه و یاری گهگاهی، شاد و امیدوار می‌شود.

پس، در مسیر ترجمه‌ی این کتاب، علاوه بر برخی دشواری‌های فنی در خصوص موسیقی و تاریخچه‌ی آن در جامائیکا که پیش‌بینی‌اش سخت هم نبود، دشواری دیگری هم بود: بار سنگین مسئولیتی که بر عهده‌ام حس می‌کردم برای

انتقال عواطف و سرگذشت این زن و مرد استثنایی؛ و اگر در فرایند ترجمه‌ی این کتاب، نبود کمک و یاری سه‌ند آدم‌عارف، یار و همراه همیشگی‌ام، به‌سختی می‌توانستم از پس این کار بریایم. کتابی که، در کنار نگاه امیدوارانه و لمس لمحات پیروزی و خوشبختی، لحظاتی آن‌چنان تلخ داشت که نفس در سینه حبس می‌شد؛ که شاید اگر نبود این تلخی‌های به‌جان‌آغشته، امید هم بی‌معنا و رشته‌رشته نمود می‌یافت.

آرزوی محال محال نیست، پس آرزو می‌کنم همه‌ی زنان سرزمینم این کتاب را بخوانند تا قدرت و صدای درویشان را هرچه واضح‌تر و خوش‌لحن‌تر بیابند، بشنوند و جهانشان را تغییر دهند؛ جهانمان را تغییر دهیم...